

میزگرد

در میزگرد نسل فردا با موضوع خود ستیزی جنسی بر رسی شد:

فرزندانمان را

از مدار جنسیت دور نگیم



نگار احمدی نسل فردا

یکی از مهم ترین ملاک های اجتماعی – فرهنگی برای دسته بندی افراد جامعه، جنسیت است. جامعه شناسان معتقدند جنسیت، شاید یگانه ویژگی مهمی است که به طور اساسی، تحت تاثیر یادگیری اجتماعی و فرهنگی شکل می گیرد و تغییرناپذیر است. هر واقع می توان گفت، هر یک از ما دارای هویت جنسی هستیم که این هویت جنسیتی در اکثر موارد به باز تولید از زن ها، نگرش ها و رفتارهایی در هر دو جنس می پردازد و ریشه آن در عقاید و افکار قالبی و کلیشه هاست. رفتارهای متفاوتی برای هر دو جنس فطری نیست؛ بلکه جنسی در هر دو جنس، فرهنگ و الزامات اجتماعی و فرهنگی است. از یک فروم معتقد است، فرهنگ و باورهای دینی و اجتماعی هر کس می تواند بر تمایلات و رفتارهای جنسی او تاثیر گذار باشد. بنابراین جنسیت و نما تلاقی است، علاوه بر بیولوژی یک بودن، ریشه ای فرهنگی و اجتماعی دارد و در واقع این جامعه است که در یک نظام جنسیتی، همه را وارد می کند که خود را دختر یا پسر بداندند و بر مرادنه یا زنانه رفتار کنند. گاه برخی از باورهای غلط اجتماعی،

یکی از مهم ترین ملاک های اجتماعی – فرهنگی برای دسته بندی افراد جامعه، جنسیت است. جامعه شناسان معتقدند جنسیت، شاید یگانه ویژگی مهمی است که به طور اساسی، تحت تاثیر یادگیری اجتماعی و فرهنگی شکل می گیرد و تغییرناپذیر است. هر واقع می توان گفت، هر یک از ما دارای هویت جنسی هستیم که این هویت جنسیتی در اکثر موارد به باز تولید از زن ها، نگرش ها و رفتارهایی در هر دو جنس می پردازد و ریشه آن در عقاید و افکار قالبی و کلیشه هاست. رفتارهای متفاوتی برای هر دو جنس فطری نیست؛ بلکه جنسی در هر دو جنس، فرهنگ و الزامات اجتماعی و فرهنگی است. از یک فروم معتقد است، فرهنگ و باورهای دینی و اجتماعی هر کس می تواند بر تمایلات و رفتارهای جنسی او تاثیر گذار باشد. بنابراین جنسیت و نما تلاقی است، علاوه بر بیولوژی یک بودن، ریشه ای فرهنگی و اجتماعی دارد و در واقع این جامعه است که در یک نظام جنسیتی، همه را وارد می کند که خود را دختر یا پسر بداندند و بر مرادنه یا زنانه رفتار کنند. گاه برخی از باورهای غلط اجتماعی،

باید توجه داشته باشند، از همان زمان بارداری تا تولد کودک و دوران بعدی آن، پدر خانواده باید در امر تربیت فرزندش مشارکت مثبت و فعالی داشته باشد. با فرزندان خود بازی کند، جنسی بازی فرزندان با پدرشان بسیار متفاوت از بازی مادر با فرزندان خود است. فرزندان به هر دو جنس نیاز دارند تا هویت متعادلی در جنسیت خود بیابند. گاهی لازم است پدر و پسر هم به صورت دو نفره تفریح برونزه کنند. پدزی که از دختر خود مراقبت می کند، جالب است که چنین گاه مادرانی رویه رو می شویم که برای آموزش های می رفت و وقت زیادی را با او می گذرانند. فرزند دختر نیز تود مادرش وقت زیادی را با سبری می کرد. این موضوع سبب می شد که فرزندان با هر جنسیتی به همانندسازی بیشتر با والد همجنس خود رو بیابزند و با جنسیت خود، بزرگ شوند و نقش های جنسیتی را از پدر و مادر خود بیاموزند. امروزه با وجود دارد این استند کنه بچه ها دیگر چندان با پدران خود وقت نمی گذرانند و به دلیل مشکلات اقتصادی، وقت چندان ای برای تربیت فرزندان خود اختصاص نمی دهد. توصیه من به پدران این است که علیرغم خشکی ناشی از فشار کاری ناشن کنند این فاصله با عزیزان خودشان قلمه آخر خرب را در مدت چند دقیقه برای پسرشان بگذرانند. روزهای تعطیل، چند ساعت بگذرانند و با فرزندان خود بازی کنند. دخترها بیشترین وقت خود را با مادرشان می گذرانند. مادران نیز به دلیل اینکه امروزه از شرایط بهتر اجتماعی برخوردارند، قدرت اجتماعی بیشتری نسبت به گذشته یافته اند.

بنابراین جنسی شرایطی سبب می شود که دختران خیلی در همانند سازی و همهات پنداری با مادرشان، احساس منفی را تجربه نکنند؛ چز در مواردی که مادر خانواده در شرایط مساعیه، به لحاظ از طی دوران زندگی یک فرد، تمام امکانات نداشته باشد و یا اقتدار اجتماعی لازم بر خودار نباشد، این امر صحت من بیش از همه را به پسرها و نوجوان شکل گیری هویت جنسی آنان است. اینکه پسر با بیشترین زمان خود را با مادر و با زنان خواده می گذراند و کمتر به دلیل بر منفله بودن پدر، فرصت از تباط تنگاتنگ با مردن خود داشته باشد و از ارادتهای این شرایط سبب مخدوش شدن همانند سازی و هویت جنسی پسر با پدرش خواهد شد. این مسئله یکی از معضلات جامعه فعلی است. این در حالی است که پدران

روزنامه سراسری صبح ایران

asleFarda.net

روزنامه سراسری صبح ایران

فرزنده ویژه نسل فردا (بخش دوم)



خود با ضعف انجام می شود. نباید تسلیم چنین شرایطی شد.سبک زندگی ما مشکل دارد که مادر مجبور می شود، با سرباز زندگی تربیتی فرزندان را به تنهایی بر عهده بگیرد و با همین روش، فرزندان جامعه و شوهرها هویت خود را محترم بشمارند و به ایسن هویت، با تمام وجود احترام از والدین خود، دچار طرد شدن و بدرفتاری والدین و نه تربیت فرزندان! پدر و مادر در وهله اول به عنوان یک مرد و یک زن، با یاد سالمی باشند. یک پدر و

خود با ضعف انجام می شود. نباید تسلیم چنین شرایطی شد.سبک زندگی ما مشکل دارد که مادر مجبور می شود، با سرباز زندگی تربیتی فرزندان را به تنهایی بر عهده بگیرد و با همین روش، فرزندان جامعه و شوهرها هویت خود را محترم بشمارند و به ایسن هویت، با تمام وجود احترام از والدین خود، دچار طرد شدن و بدرفتاری والدین و نه تربیت فرزندان! پدر و مادر در وهله اول به عنوان یک مرد و یک زن، با یاد سالمی باشند. یک پدر و

خود با ضعف انجام می شود. نباید تسلیم چنین شرایطی شد.سبک زندگی ما مشکل دارد که مادر مجبور می شود، با سرباز زندگی تربیتی فرزندان را به تنهایی بر عهده بگیرد و با همین روش، فرزندان جامعه و شوهرها هویت خود را محترم بشمارند و به ایسن هویت، با تمام وجود احترام از والدین خود، دچار طرد شدن و بدرفتاری والدین و نه تربیت فرزندان! پدر و مادر در وهله اول به عنوان یک مرد و یک زن، با یاد سالمی باشند. یک پدر و

خود با ضعف انجام می شود. نباید تسلیم چنین شرایطی شد.سبک زندگی ما مشکل دارد که مادر مجبور می شود، با سرباز زندگی تربیتی فرزندان را به تنهایی بر عهده بگیرد و با همین روش، فرزندان جامعه و شوهرها هویت خود را محترم بشمارند و به ایسن هویت، با تمام وجود احترام از والدین خود، دچار طرد شدن و بدرفتاری والدین و نه تربیت فرزندان! پدر و مادر در وهله اول به عنوان یک مرد و یک زن، با یاد سالمی باشند. یک پدر و

خود با ضعف انجام می شود. نباید تسلیم چنین شرایطی شد.سبک زندگی ما مشکل دارد که مادر مجبور می شود، با سرباز زندگی تربیتی فرزندان را به تنهایی بر عهده بگیرد و با همین روش، فرزندان جامعه و شوهرها هویت خود را محترم بشمارند و به ایسن هویت، با تمام وجود احترام از والدین خود، دچار طرد شدن و بدرفتاری والدین و نه تربیت فرزندان! پدر و مادر در وهله اول به عنوان یک مرد و یک زن، با یاد سالمی باشند. یک پدر و

خود با ضعف انجام می شود. نباید تسلیم چنین شرایطی شد.سبک زندگی ما مشکل دارد که مادر مجبور می شود، با سرباز زندگی تربیتی فرزندان را به تنهایی بر عهده بگیرد و با همین روش، فرزندان جامعه و شوهرها هویت خود را محترم بشمارند و به ایسن هویت، با تمام وجود احترام از والدین خود، دچار طرد شدن و بدرفتاری والدین و نه تربیت فرزندان! پدر و مادر در وهله اول به عنوان یک مرد و یک زن، با یاد سالمی باشند. یک پدر و

برونده ویژه نسل فردا (بخش دوم)

بسیاری از مشکلات در آینده جلوگیری کرد.

پدر و مادها و احترام به هویت جنسی خود

پدرام: توصیه من این است که بر ابتنان کردن و شوهرها هویت خود را محترم بشمارند و به ایسن هویت، با تمام وجود احترام از والدین خود، دچار طرد شدن و بدرفتاری والدین و نه تربیت فرزندان! پدر و مادر در وهله اول به عنوان یک مرد و یک زن، با یاد سالمی باشند. یک پدر و

پدرام: توصیه من این است که بر ابتنان کردن و شوهرها هویت خود را محترم بشمارند و به ایسن هویت، با تمام وجود احترام از والدین خود، دچار طرد شدن و بدرفتاری والدین و نه تربیت فرزندان! پدر و مادر در وهله اول به عنوان یک مرد و یک زن، با یاد سالمی باشند. یک پدر و

پدرام: توصیه من این است که بر ابتنان کردن و شوهرها هویت خود را محترم بشمارند و به ایسن هویت، با تمام وجود احترام از والدین خود، دچار طرد شدن و بدرفتاری والدین و نه تربیت فرزندان! پدر و مادر در وهله اول به عنوان یک مرد و یک زن، با یاد سالمی باشند. یک پدر و

پدرام: توصیه من این است که بر ابتنان کردن و شوهرها هویت خود را محترم بشمارند و به ایسن هویت، با تمام وجود احترام از والدین خود، دچار طرد شدن و بدرفتاری والدین و نه تربیت فرزندان! پدر و مادر در وهله اول به عنوان یک مرد و یک زن، با یاد سالمی باشند. یک پدر و

پدرام: توصیه من این است که بر ابتنان کردن و شوهرها هویت خود را محترم بشمارند و به ایسن هویت، با تمام وجود احترام از والدین خود، دچار طرد شدن و بدرفتاری والدین و نه تربیت فرزندان! پدر و مادر در وهله اول به عنوان یک مرد و یک زن، با یاد سالمی باشند. یک پدر و

پدرام: توصیه من این است که بر ابتنان کردن و شوهرها هویت خود را محترم بشمارند و به ایسن هویت، با تمام وجود احترام از والدین خود، دچار طرد شدن و بدرفتاری والدین و نه تربیت فرزندان! پدر و مادر در وهله اول به عنوان یک مرد و یک زن، با یاد سالمی باشند. یک پدر و

پدر و مادر، بهترین الگوی برای پدریش جنسیت عشقی: به غیر از همانندسازی با والد هم جنس و اختصاص



دکتر رونگ عشقی سکس تراپیست و استاد دانشگاه

پدر و مادرها و احترام به هویت جنسی خود

یکی از دلایلی که سبب شده افرادی از جنسیت خود دور شوند این است که همانند سازی جنسیتی فرزندان با والد هم جنس خود با ضعف انجام می‌شود

دامن برای بر فرزندان خود، دیدن رابطه تر زمان زن و شوهر در پیشگیری از بسیاری از اختلالات جنسی بسیار تاثیر گذار است. بزرگ ترین درسی که والدین به فرزندان خود می توانند از طریق رفتار خود یاددهند، عشقی است که به یکدیگر میز آن می دهند. فرزندان از طریق روابط عاطفی زن و شوهر که به شکل صحیح این می شود، می توانند هویت جنسی و جنسیتی سالمی پیدا کنند و جنسیت خود را بپذیرند. روابط نادرست والدین با یکدیگری می تواند در فرزندان این احساس را به وجود بیاورد که جنسیتش دردرسرا فرین است مثل پسری که ما دیدن خودنیت های پدرش از مرد بودن خود حسیت خود و یا دختری که با کتک خوردن مادرش، نسبت به جنسیت خود بد نظری منفی پیدا می کند.عشق مندر و پدر و مادر بهترین الگو برای فرزندان است.وقتی والدین از هویت جنسی خوبی برخوردارند و به جنسیت همسر خود احترام می‌گذارند، این امر



محمد بندر عباسی روزنامه نگار

تاثیرگذاری ارتباط کمرنگ پدر و پسر

بر ایجاد اختلال های جنسی پسران محدودکننده ای را برای او ایجاد کرد.درریشه مشکلات این افراد باورهای آنهاست و نه جنسیت آنها

ناز و نعمت بزرگ می شود.اما پسر خانواده تحت فشار است، چرا که تصمیم والدین این است که با این سبک تربیت، فراتر است پسرشان را مرد بار بیابند، طبیعتا این پسر به مقایسه جنسیت خود با خواهرش می پردازد و ممکن است نسبت به جنسیت خود، احساس نگرانی، هراس و بی کفایتی کند. باید سعی کنیم به هر حله ای از تعادل دست پیدا کنیم که دیگر نه زن سالاری در خانواده‌ها و فرزندپروری مان غلبه داشته باشد و نه مردسالاری اینکه یک جمع بگوید "آزوی من این است که دختر داشته باشم و متصرف از اینکه پسر داشته باشم" هم به نوعی از طرف دیگر بمر افقاند است. حواسمان به

جملاتی که استفاده می کنیم، باشد. جملات بار جنسیتی دارند و می توانند یک فرهنگ را ایجاد کنند. فرهنگی که ممکن است به ندایش افرادی را در جامعه بسازد که از اختلالات روانی جنسی رنج می برند. والدین باید یاد بگیرند با دختر و پسر خود، به عنوان یک انسان، نگاه کنند و آنان را طوری تربیت کنند که به زن بودن مرد بودنشان افتخار کنند. البته اگر فراتر از موضوع این میزگرد نگاه کنیم، مهمتر می شویم در جامعه مسئله این است که مردم از میزان خودبذیری کمی برخوردارند، خودشان را قبول ندارند و دائم دلشان می خواهد جای دیگری باشند. بیعتنا از ستر چنین شرایطی، اگر خاصی تر نگاه کنیم، خودستیزی جنسی هم می تواند اتفاق بیفتد. چشم و هم چشمی که در مورد دگوراسیون خاله و میران تحصیلات و ... در میان افراد وجود دارد، در میحت جنسیت هم وجود دارد. پسر دلش می خواهد جای خواهرش باشد و خواهرش آرزوی می کند، جای برادرش باشد و اینکه ای کاش پسر بودم در این چشم و هم چشمی جنسیتی، فرد نکات مثبت جنسیت خود را نمی بیند و تنها به نکات منفی آن توجه می کند. گویا نوع خواهر است از بعد دیگری نگاه کنیم، این نوع خودستیزی، برخاسته از بی کفایتی است و جنسیتی هم هست مثل مردی که از سختی وظایفش شکایت می کند و آرزوی می کنای زن کش زن باشد و یا بالعکس!

ناز و نعمت بزرگ می شود.اما پسر خانواده تحت فشار است، چرا که تصمیم والدین این است که با این سبک تربیت، فراتر است پسرشان را مرد بار بیابند، طبیعتا این پسر به مقایسه جنسیت خود با خواهرش می پردازد و ممکن است نسبت به جنسیت خود، احساس نگرانی، هراس و بی کفایتی کند. باید سعی کنیم به هر حله ای از تعادل دست پیدا کنیم که دیگر نه زن سالاری در خانواده‌ها و فرزندپروری مان غلبه داشته باشد و نه مردسالاری اینکه یک جمع بگوید "آزوی من این است که دختر داشته باشم و متصرف از اینکه پسر داشته باشم" هم به نوعی از طرف دیگر بمر افقاند است. حواسمان به

جملاتی که استفاده می کنیم، باشد. جملات بار جنسیتی دارند و می توانند یک فرهنگ را ایجاد کنند. فرهنگی که ممکن است به ندایش افرادی را در جامعه بسازد که از اختلالات روانی جنسی رنج می برند. والدین باید یاد بگیرند با دختر و پسر خود، به عنوان یک انسان، نگاه کنند و آنان را طوری تربیت کنند که به زن بودن مرد بودنشان افتخار کنند. البته اگر فراتر از موضوع این میزگرد نگاه کنیم، مهمتر می شویم در جامعه مسئله این است که مردم از میزان خودبذیری کمی برخوردارند، خودشان را قبول ندارند و دائم دلشان می خواهد جای دیگری باشند. بیعتنا از ستر چنین شرایطی، اگر خاصی تر نگاه کنیم، خودستیزی جنسی هم می تواند اتفاق بیفتد. چشم و هم چشمی که در مورد دگوراسیون خاله و میران تحصیلات و ... در میان افراد وجود دارد، در میحت جنسیت هم وجود دارد. پسر دلش می خواهد جای خواهرش باشد و خواهرش آرزوی می کند، جای برادرش باشد و اینکه ای کاش پسر بودم در این چشم و هم چشمی جنسیتی، فرد نکات مثبت جنسیت خود را نمی بیند و تنها به نکات منفی آن توجه می کند. گویا نوع خواهر است از بعد دیگری نگاه کنیم، این نوع خودستیزی، برخاسته از بی کفایتی است و جنسیتی هم هست مثل مردی که از سختی وظایفش شکایت می کند و آرزوی می کنای زن کش زن باشد و یا بالعکس!

تعارف نادرست و دور کردن زن مدرن از جنسیت خود

پدرام: بهر است به خاستگاه اجتماعی اختلال "خودستیزی جنسی" هم توجه کنیم. وقتی امروز یک زن مدرن را زنی معرفی می کنند که بسیار می ترسد، می کشد و در کل رفتارهای مرادنه از خود نشان می دهد، این نوع تعارف یعنی مدرن کردن زن در مفهوم ناسالم و نادرستش به قیمت دور شدن او از جنسیت خود. رفتارهای جنسی، جز مهمی از هویت فرد تلقی می شود. افراد باید جنسیت خود را بشناسند و نقش های سالم مربوط به جنس خود را درست ایفا کنند.

بیاندهای خودستیزی جنسی

احمدی: تجربه احساس "خودستیزی جنسی" واقعا چه عواقبی برای فرد دارد؟ آیا این احساس می تواند ممانعی برای ازدواج، اشتغال و روابط انسانی اش با سایر افراد باشد؟ **قدسی:** مسئله عشق به خود فرد مربوط می شود؛ زمانی که شخصی خودش را نمی پذیرد و دوست ندارد، چگونه می تواند دیگری را دوست بدارد. فردی که جنسیت خود را نپذیرفته، حتی اگر در واقع نمی تواند به فرد مقابلش، احساس خوبی ایجاد کند، چرا که یک مرد تنها با منفاسفقه بدلی عشقی ملیق علیه های مستعین شبکه های مامورهای هستند والدینی که تمسک ورزی را به صورت رفتارهای نادرست نشان می دهند و تصورشان بر این است که فرزندان آنان چنین رفتارهایی را در نمی کنند

زنی که روحیه مرادنه دارد، نمی تواند مرد بودن خود را به اثبات برساند. احساس ما و نگرشمان نسبت به خود بر تمام روابط و عشق عینی مان تاثیر گذار است.

احمدی: حتی دیگران هم نمی دانند که از چه موثعی با چنین افرادی برخورد کنند. وقتی پدر دختر است، اما انتظار دارد دیگران مرادنه با خود برخورد کنند، یا مرد است و آرزوهای زنانه دارد، این تناقضی فکر می کنم برای اطرافیان هم آزاردهنده و غیر قابل فهم باشد. فرد زمانی که با خود و جنسیتش کنار نیامده، همیشه به شکل یک چندوجهی منظم است که تکلیف روشنی خود را دیگران در قبال او ندارند. زنی که از زن بودن خود بیزار است، از ریشه های جنسیتی خود و از زن بودن خود به لحاظ ذهنی، کنده شده است. اما در واقع او هنوز هم یک زن است و از طرفی هم مرد هم او را به شکل فردی روزی را قبول ندارد.نچون او یک زن است و باید یک مادر این موارد قطعاً فضای روحی و فیزیکی زندگی را برای فردی که درگیر خودستیزی جنسی شده است، دشوارتر می کند و فکر می کنم تجربه ای از مشکلات بعدی ای تمام اطرافیهایی که بر او خود فرد و اطرافیانش ایجاد شده، ادامه خواهد داشت. یا حتی توصیه ای برای اشخاصی دارد که جنسیت خود را نه به دلیل وارد بودن بیولوژیکی، بلکه به دلیل نگرش های جنسی خود، با فرهنگ بدلیق قبول ندارند؟

عشق ورزی را خانواده به فرزندان یاد دهیم **عشقی:** بله مستند بر اجماعی که در دوران کودکیمن است که فرزندان خود را با قلان رفتار، دقیقاً چه بچودا گویند؟ "حلالی فهم منظور وزنی به یکدیگر بره درستی و در کلون خانواده به فرزندان یاد بدهند، این امر معطل از است که چه کسی دیگری در کجا باید یاد بگیرند؟" چهما به یاد عشق و محبت را در چارچوب روابط زن و شوهر ببینند، اما به شکل درست اینکه پدر موقع بازگشت به خانه، همسر و فرزندش را بوسه بزند که چند همسرش بشینند و دست او را بگیرند، رفتار جنسی نیست بچه ها هم به خوبی این موضوع را درک می کنند، چرا که تفاوت رفتارهای جنسی و عشق باشتا چه توصیه ای برای اشخاصی دارد که جنسیت خود را نه به دلیل وارد بودن بیولوژیکی، بلکه به دلیل نگرش های جنسی خود، با فرهنگ بدلیق قبول ندارند؟

عشق ورزی را خانواده به فرزندان یاد دهیم **عشقی:** بله مستند بر اجماعی که در دوران کودکیمن است که فرزندان خود را با قلان رفتار، دقیقاً چه بچودا گویند؟ "حلالی فهم منظور وزنی به یکدیگر بره درستی و در کلون خانواده به فرزندان یاد بدهند، این امر معطل از است که چه کسی دیگری در کجا باید یاد بگیرند؟" چهما به یاد عشق و محبت را در چارچوب روابط زن و شوهر ببینند، اما به شکل درست اینکه پدر موقع بازگشت به خانه، همسر و فرزندش را بوسه بزند که چند همسرش بشینند و دست او را بگیرند، رفتار جنسی نیست بچه ها هم به خوبی این موضوع را درک می کنند، چرا که تفاوت رفتارهای جنسی و عشق باشتا چه توصیه ای برای اشخاصی دارد که جنسیت خود را نه به دلیل وارد بودن بیولوژیکی، بلکه به دلیل نگرش های جنسی خود، با فرهنگ بدلیق قبول ندارند؟

عشق ورزی را خانواده به فرزندان یاد دهیم **عشقی:** بله مستند بر اجماعی که در دوران کودکیمن است که فرزندان خود را با قلان رفتار، دقیقاً چه بچودا گویند؟ "حلالی فهم منظور وزنی به یکدیگر بره درستی و در کلون خانواده به فرزندان یاد بدهند، این امر معطل از است که چه کسی دیگری در کجا باید یاد بگیرند؟" چهما به یاد عشق و محبت را در چارچوب روابط زن و شوهر ببینند، اما به شکل درست اینکه پدر موقع بازگشت به خانه، همسر و فرزندش را بوسه بزند که چند همسرش بشینند و دست او را بگیرند، رفتار جنسی نیست بچه ها هم به خوبی این موضوع را درک می کنند، چرا که تفاوت رفتارهای جنسی و عشق باشتا چه توصیه ای برای اشخاصی دارد که جنسیت خود را نه به دلیل وارد بودن بیولوژیکی، بلکه به دلیل نگرش های جنسی خود، با فرهنگ بدلیق قبول ندارند؟



دکتر احمد بحرام روانشناس و مدرس دانشگاه

هویت جنسی و نقش پذیری جنسیتی

هویت جنسی و نقش پذیری جنسیتی **عشقی:** بله مستند بر اجماعی که در دوران کودکیمن است که فرزندان خود را با قلان رفتار، دقیقاً چه بچودا گویند؟ "حلالی فهم منظور وزنی به یکدیگر بره درستی و در کلون خانواده به فرزندان یاد بدهند، این امر معطل از است که چه کسی دیگری در کجا باید یاد بگیرند؟" چهما به یاد عشق و محبت را در چارچوب روابط زن و شوهر ببینند، اما به شکل درست اینکه پدر موقع هایتش قرار دهد و تسلیم نشود.

جامعه اش دست یافت، می تواند تسلیم چنین باورهایی نشود. چنین فردی حتی اگر الگوی مناسب جنسیتی را در خانواده خود نمی یابد، می تواند از اشخاص و فخرمانی های که بیرون از این حوزه وجود دارند الگوی رفتاری و شخصیتی بگیرد. یک زن، ممکن است مادرش الگوی خوبی برای جنسیت او باشد و پدرش نباشد، اما می تواند بیرون از خانه، استاد خود را الگوی رفتارها و موفقیت هایش قرار دهد و تسلیم نشود.

چنین اشخاصی حتماً باید به یک روانشناس مراجعه کنند تا به آنها کمک شود با صحت درمانی و درمان بینشی، نگرش آنها نسبت به جنسیتشان تغییر کند. در اکثر موارد از خود فرد است که دارای خطاهای شناختی است و ناگهی مبالغه آمیز و نادرست، نسبت به شرایط اجتماعی و جنسیت خود دارد. باورهای غلط فرد می تواند، احساسات آزار دهنده و محدود کننده ای را برای او ایجاد کند. ریشه مشکلات این افراد باورهای آنهاست و نه جنسیت آنها. نباید اجازه داد زندگی و نشاط و آزادی فرد در قفس چنین باورهایی بمرید!

جامعه اش دست یافت، می تواند تسلیم چنین باورهایی نشود. چنین فردی حتی اگر الگوی مناسب جنسیتی را در خانواده خود نمی یابد، می تواند از اشخاص و فخرمانی های که بیرون از این حوزه وجود دارند الگوی رفتاری و شخصیتی بگیرد. یک زن، ممکن است مادرش الگوی خوبی برای جنسیت او باشد و پدرش نباشد، اما می تواند بیرون از خانه، استاد خود را الگوی رفتارها و موفقیت هایش قرار دهد و تسلیم نشود.

چنین اشخاصی حتماً باید به یک روانشناس مراجعه کنند تا به آنها کمک شود با صحت درمانی و درمان بینشی، نگرش آنها نسبت به جنسیتشان تغییر کند. در اکثر موارد از خود فرد است که دارای خطاهای شناختی است و ناگهی مبالغه آمیز و نادرست، نسبت به شرایط اجتماعی و جنسیت خود دارد. باورهای غلط فرد می تواند، احساسات آزار دهنده و محدود کننده ای را برای او ایجاد کند. ریشه مشکلات این افراد باورهای آنهاست و نه جنسیت آنها. نباید اجازه داد زندگی و نشاط و آزادی فرد در قفس چنین باورهایی بمرید!

جامعه اش دست یافت، می تواند تسلیم چنین باورهایی نشود. چنین فردی حتی اگر الگوی مناسب جنسیتی را در خانواده خود نمی یابد، می تواند از اشخاص و فخرمانی های که بیرون از این حوزه وجود دارند الگوی رفتاری و شخصیتی بگیرد. یک زن، ممکن است مادرش الگوی خوبی برای جنسیت او باشد و پدرش نباشد، اما می تواند بیرون از خانه، استاد خود را الگوی رفتارها و موفقیت هایش قرار دهد و تسلیم نشود.

چنین اشخاصی حتماً باید به یک روانشناس مراجعه کنند تا به آنها کمک شود با صحت درمانی و درمان بینشی، نگرش آنها نسبت به جنسیتشان تغییر کند. در اکثر موارد از خود فرد است که دارای خطاهای شناختی است و ناگهی مبالغه آمیز و نادرست، نسبت به شرایط اجتماعی و جنسیت خود دارد. باورهای غلط فرد می تواند، احساسات آزار دهنده و محدود کننده ای را برای او ایجاد کند. ریشه مشکلات این افراد باورهای آنهاست و نه جنسیت آنها. نباید اجازه داد زندگی و نشاط و آزادی فرد در قفس چنین باورهایی بمرید!

جامعه اش دست یافت، می تواند تسلیم چنین باورهایی نشود. چنین فردی حتی اگر الگوی مناسب جنسیتی را در خانواده خود نمی یابد، می تواند از اشخاص و فخرمانی های که بیرون از این حوزه وجود دارند الگوی رفتاری و شخصیتی بگیرد. یک زن، ممکن است مادرش الگوی خوبی برای جنسیت او باشد و پدرش نباشد، اما می تواند بیرون از خانه، استاد خود را الگوی رفتارها و موفقیت هایش قرار دهد و تسلیم نشود.

چنین اشخاصی حتماً باید به یک روانشناس مراجعه کنند تا به آنها کمک شود با صحت درمانی و درمان بینشی، نگرش آنها نسبت به جنسیتشان تغییر کند. در اکثر موارد از خود فرد است که دارای خطاهای شناختی است و ناگهی مبالغه آمیز و نادرست، نسبت به شرایط اجتماعی و جنسیت خود دارد. باورهای غلط فرد می تواند، احساسات آزار دهنده و محدود کننده ای را برای او ایجاد کند. ریشه مشکلات این افراد باورهای آنهاست و نه جنسیت آنها. نباید اجازه داد زندگی و نشاط و آزادی فرد در قفس چنین باورهایی بمرید!

جامعه اش دست یافت، می تواند تسلیم چنین باورهایی نشود. چنین فردی حتی اگر الگوی مناسب جنسیتی را در خانواده خود نمی یابد، می تواند از اشخاص و فخرمانی های که بیرون از این حوزه وجود دارند الگوی رفتاری و شخصیتی بگیرد. یک زن، ممکن است مادرش الگوی خوبی برای جنسیت او باشد و پدرش نباشد، اما می تواند بیرون از خانه، استاد خود را الگوی رفتارها و موفقیت هایش قرار دهد و تسلیم نشود.

چنین اشخاصی حتماً باید به یک روانشناس مراجعه کنند تا به آنها کمک شود با صحت درمانی و درمان بینشی، نگرش آنها نسبت به جنسیتشان تغییر کند. در اکثر موارد از خود فرد است که دارای خطاهای شناختی است و ناگهی مبالغه آمیز و نادرست، نسبت به شرایط اجتماعی و جنسیت خود دارد. باورهای غلط فرد می تواند، احساسات آزار دهنده و محدود کننده ای را برای او ایجاد کند. ریشه مشکلات این افراد باورهای آنهاست و نه جنسیت آنها. نباید اجازه داد زندگی و نشاط و آزادی فرد در قفس چنین باورهایی بمرید!

چنین اشخاصی حتماً باید به یک روانشناس مراجعه کنند تا به آنها کمک شود با صحت درمانی و درمان بینشی، نگرش آنها نسبت به جنسیتشان تغییر کند. در اکثر موارد از خود فرد است که دارای خطاهای شناختی است و ناگهی مبالغه آمیز و نادرست، نسبت به شرایط اجتماعی و جنسیت خود دارد. باورهای غلط فرد می تواند، احساسات آزار دهنده و محدود کننده ای را برای او ایجاد کند. ریشه مشکلات این افراد باورهای آنهاست و نه جنسیت آنها. نباید اجازه داد زندگی و نشاط و آزادی فرد در قفس چنین باورهایی بمرید!

چنین اشخاصی حتماً باید به یک روانشناس مراجعه کنند تا به آنها کمک شود با صحت درمانی و درمان بینشی، نگرش آنها نسبت به جنسیتشان تغییر کند. در اکثر موارد از خود فرد است که دارای خطاهای شناختی است و ناگهی مبالغه آمیز و نادرست، نسبت به شرایط اجتماعی و جنسیت خود دارد. باورهای غلط فرد می تواند، احساسات آزار دهنده و محدود کننده ای را برای او ایجاد کند. ریشه مشکلات این افراد باورهای آنهاست و نه جنسیت آنها. نباید اجازه داد زندگی و نشاط و آزادی فرد در قفس چنین باورهایی بمرید!

چنین اشخاصی حتماً باید به یک روانشناس مراجعه کنند تا به آنها کمک شود با صحت درمانی و درمان بینشی، نگرش آنها نسبت به جنسیتشان تغییر کند. در اکثر موارد از خود فرد است که دارای خطاهای شناختی است و ناگهی مبالغه آمیز و نادرست، نسبت به شرایط اجتماعی و جنسیت خود دارد. باورهای غلط فرد می تواند، احساسات آزار دهنده و محدود کننده ای را برای او ایجاد کند. ریشه مشکلات این افراد باورهای آنهاست و نه جنسیت آنها. نباید اجازه داد زندگی و نشاط و آزادی فرد در قفس چنین باورهایی بمرید!

چنین اشخاصی حتماً باید به یک روانشناس مراجعه کنند تا به آنها کمک شود با صحت درمانی و درمان بینشی، نگرش آنها نسبت به جنسیتشان تغییر کند. در اکثر موارد از خود فرد است که دارای خطاهای شناختی است و ناگهی مبالغه آمیز و نادرست، نسبت به شرایط اجتماعی و جنسیت خود دارد. باورهای غلط فرد می تواند، احساسات آزار دهنده و محدود کننده ای را برای او ایجاد کند. ریشه مشکلات این افراد باورهای آنهاست و نه جنسیت آنها. نباید اجازه داد زندگی و نشاط و آزادی فرد در قفس چنین باورهایی بمرید!

چنین اشخاصی حتماً باید به یک روانشناس مراجعه کنند تا به آنها کمک شود با صحت درمانی و درمان بینشی، نگرش آنها نسبت به جنسیتشان تغییر کند. در اکثر موارد از خود فرد است که دارای خطاهای شناختی است و ناگهی مبالغه آمیز و نادرست، نسبت به شرایط اجتماعی و جنسیت خود دارد. باورهای غلط فرد می تواند، احساسات آزار دهنده و محدود کننده ای را برای او ایجاد کند. ریشه مشکلات این افراد باورهای آنهاست و نه جنسیت آنها. نباید اجازه داد زندگی و نشاط و آزادی فرد در قفس چنین باورهایی بمرید!

چنین اشخاصی حتماً باید به یک روانشناس مراجعه کنند تا به آنها کمک شود با صحت درمانی و درمان بینشی، نگرش آنها نسبت به جنسیتشان تغییر کند. در اکثر موارد از خود فرد است که دارای خطاهای شناختی است و ناگهی مبالغه آمیز و نادرست، نسبت به شرایط اجتماعی و جنسیت خود دارد. باورهای غلط فرد می تواند، احساسات آزار دهنده و محدود کننده ای را برای او ایجاد کند. ریشه مشکلات این افراد باورهای آنهاست و نه جنسیت آنها. نباید اجازه داد زندگی و نشاط و آزادی فرد در قفس چنین باورهایی بمرید!

چنین اشخاصی حتماً باید به یک روانشناس مراجعه کنند تا به آنها کمک شود با صحت درمانی و درمان بینشی، نگرش آنها نسبت به جنسیتشان تغییر کند. در اکثر موارد از خود فرد است که دارای خطاهای شناختی است و ناگهی مبالغه آمیز و نادرست، نسبت به شرایط اجتماعی و جنسیت خود دارد. باورهای غلط فرد می تواند، احساسات آزار دهنده و محدود کننده ای را برای او ایجاد کند. ریشه مشکلات این افراد باورهای آنهاست و نه جنسیت آنها. نباید اجازه داد زندگی و نشاط و آزادی فرد در قفس چنین باورهایی بمرید!

چنین اشخاصی حتماً باید به یک روانشناس مراجعه کنند تا به آنها کمک شود با صحت درمانی و درمان بینشی، نگرش آنها نسبت به جنسیتشان تغییر کند. در اکثر موارد از خود فرد است که دارای خطاهای شناختی است و ناگهی مبالغه آمیز و نادرست، نسبت به شرایط اجتماعی و جنسیت خود دارد. باورهای غلط فرد می تواند، احساسات آزار دهنده و محدود کننده ای را برای او ایجاد کند. ریشه مشکلات این افراد باورهای آنهاست و نه جنسیت آنها. نباید اجازه داد زندگی و نشاط و آزادی فرد در قفس چنین باورهایی بمرید!

چنین اشخاصی حتماً باید به یک روانشناس مراجعه کنند تا به آنها کمک شود با صحت درمانی و درمان بینشی، نگرش آنها نسبت به جنسیتشان تغییر کند. در اکثر موارد از خود فرد است که دارای خطاهای شناختی است و ناگهی مبالغه آمیز و نادرست، نسبت به شرایط اجتماعی و جنسیت خود دارد. باورهای غلط فرد می تواند، احساسات آزار دهنده و محدود کننده ای را برای او ایجاد کند. ریشه مشکلات این افراد باورهای آنهاست و نه جنسیت آنها. نباید اجازه داد زندگی و نشاط و آزادی فرد در قفس چنین باورهایی بمرید!

چنین اشخاصی حتماً باید به یک روانشناس مراجعه کنند تا به آنها کمک شود با صحت درمانی و درمان بینشی، نگرش آنها نسبت به جنسیتشان تغییر کند. در اکثر موارد از خود فرد است که دارای خطاهای شناختی است و ناگهی مبالغه آمیز و نادرست، نسبت به شرایط اجتماعی و جنسیت خود دارد. باورهای غلط فرد می تواند، احساسات آزار دهنده و محدود کننده ای را برای او ایجاد کند. ریشه مشکلات این افراد باورهای آنهاست و نه جنسیت آنها. نباید اجازه داد زندگی و نشاط و آزادی فرد در قفس چنین باورهایی بمرید!

چنین اشخاصی حتماً باید به یک روانشناس مراجعه کنند تا به آنها کمک شود با صحت درمانی و درمان بینشی، نگرش آنها نسبت به جنسیتشان تغییر کند. در اکثر موارد از خود فرد است که دارای خطاهای شناختی است و ناگهی مبالغه آمیز و نادرست، نسبت به شرایط اجتماعی و جنسیت خود دارد. باورهای غلط فرد می تواند، احساسات آزار دهنده و محدود کننده ای را برای او ایجاد کند. ریشه مشکلات این افراد باورهای آنهاست و نه جنسیت آنها. نباید اجازه داد زندگی و نشاط و آزادی فرد در قفس چنین باورهایی بمرید!

چنین اشخاصی حتماً باید به یک روانشناس مراجعه کنند تا به آنها کمک شود با صحت درمانی و درمان بینشی، نگرش آنها نسبت به جنسیتشان تغییر کند. در اکثر موارد از خود فرد است که دارای خطاهای شناختی است و ناگهی مبالغه آمیز و نادرست، نسبت به شرایط اجتماعی و جنسیت خود دارد. باورهای غلط فرد می تواند، احساسات آزار دهنده و محدود کننده ای را برای او ایجاد کند. ریشه مشکلات این افراد باورهای آنهاست و نه جنسیت آنها. نباید اجازه داد زندگی و نشاط و آزادی فرد در قفس چنین باورهایی بمرید!

چنین اشخاصی حتماً باید به یک روانشناس مراجعه کنند تا به آنها کمک شود با صحت درمانی و درمان بینشی، نگرش آنها نسبت به جنسیتشان تغییر کند. در اکثر موارد از خود فرد است که دارای خطاهای شناختی است و ناگهی مبالغه آمیز و نادرست، نسبت به شرایط اجتماعی و جنسیت خود دارد. باورهای غلط فرد می تواند، احساسات آزار دهنده و محدود کننده ای را برای او ایجاد کند. ریشه مشکلات این افراد باورهای آنهاست و نه جنسیت آنها. نباید اجازه داد زندگی و نشاط و آزادی فرد در قفس چنین باورهایی بمرید!

چنین اشخاصی حتماً باید به یک روانشناس مراجعه کنند تا به آنها کمک شود با صحت درمانی و درمان بینشی، نگرش آنها نسبت به جنسیتشان تغییر کند. در اکثر موارد از خود فرد است که دارای خطاهای شناختی است و ناگهی مبالغه آمیز و نادرست، نسبت به شرایط اجتماعی و جنسیت خود دارد. باورهای غلط فرد می تواند، احساسات آزار دهنده و محدود کننده ای را برای او ایجاد کند. ریشه مشکلات این افراد باورهای آنهاست و نه جنسیت آنها. نباید اجازه داد زندگی و نشاط و آزادی فرد در قفس چنین باورهایی بمرید!

چنین اشخاصی حتماً باید به یک روانشناس مراجعه کنند تا به آنها کمک شود با صحت درمانی و درمان بینشی، نگرش آنها نسبت به جنسیتشان تغییر کند. در اکثر موارد از خود فرد است که دارای خطاهای شناختی است و ناگهی مبالغه آمیز و نادرست، نسبت به شرایط اجتماعی و جنسیت خود دارد. باورهای غلط فرد می تواند، احساسات آزار دهنده و محدود کننده ای را برای او ایجاد کند. ریشه مشکلات این افراد باورهای آنهاست و نه جنسیت آنها. نباید اجازه داد زندگی و نشاط و آزادی فرد در قفس چنین باورهایی بمرید!

چنین اشخاصی حتماً باید به یک روان